

امر به معروف و نهی از منکر

و روش‌های تأثیرگذار آن از منظر امام رضا (ع)

سیدجواد خاتمی / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

کج سیده سمیه خاتمی / دانشجوی دکتراشنایی با منابع اسلامی دانشگاه فردوسی

حسین براتی / کارشناسی ارشد علوم حدیث

دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۵

sh.khatami@gmail.com

چکیده

با آنکه درباره موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نگاشته شده و از زوایای گوناگون به مطلب نگریسته شده است، اما جای خالی یک موضوع احساس می‌شود و آن اینکه امامان معصوم (ع) به عنوان الگو در امر به معروف و نهی از منکر، آیا روشی برای تأثیرگذاری بهتر این فریضه الهی داشته‌اند، یا نه؟ و اگر داشته‌اند، این روش‌ها کدامند و چگونه این انطباق و هماهنگی بین سیره زندگی ایشان و امر به معروف و نهی از منکر به وجود می‌آید؟ مقاله حاضر این روش‌ها را با توجه به زندگی امام رضا (ع) جست‌وجو کرده، و به معرفی دوازده روش پرداخته که شامل عمل به دستورات الهی، امیدوار کردن مخاطب، داشتن حسن ظن به مخاطب، معرفی الگوهای خوب و بد، بیان خوبی‌ها، ایجاد محبت، جایگزین کردن، رسوا کردن چهره‌های مختلف، بیان علت و فلسفه یک حکم، نمایش دسته‌جمعی، حالت استعلاء و حفظ عزت نفس تا آخرین حد توان است.

کلیدواژه‌ها: تأثیرگذاری، امر به معروف، نهی از منکر، امام رضا (ع)

مقدمه

حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «امر به نیکی کن تا خود از نیکوکاران باشی. با دست و زبانت مانع انجام کار زشت شو و زشتی آن را یادآوری کن، و به قوت تمام از هر آن کس که کار زشت مرتکب می‌شود، دوری گزین، و در راه خدا تا سر حدّ توان تلاش کن، و سرزنش سرزنشگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

در این عبارات، ابتدا حضرت از امر به معروف و نهی از منکر و سپس از جهاد سخن گفته است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر، خود از مصادیق جهاد است و معروف است. از این رو، حضرت می‌فرمایند: «امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی»، و نیز اشاره می‌فرمایند که با تمام توان این کار را انجام بده. این خود می‌تواند نمایانگر این مطلب باشد که لازم است به این فریضه الهی از منظرهای گوناگون نگاه شود. البته تنوع این روش‌ها موجب تأثیرگذاری بیشتر است.

از سوی دیگر، قرآن کریم به ما دستور می‌دهد که وقتی خواستید وارد خانه شوید از در وارد شوید: «در بارهٔ «لال‌های ماه» از تو سؤال می‌کنند، بگو: آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است» و (آن‌چنان نکنید که در جاهلیت مرسوم بود که هنگام حج، که جامهٔ احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند و از نقب پشت خانه وارد می‌شدند!) کار نیک آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از در خانه‌ها وارد شوید، و تقوا پیشه کنید تا رستگار گردید» (بقره: ۱۸۹).

آیهٔ قرآن در صدد بیان یک حقیقت کلی است که راه موفقیت در هر عملی را نشان می‌دهد. امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: یعنی: برای هر کاری از راهش وارد شوید. هر عملی را از آن سو که باید، انجام دهید (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۶). در این باره امام رضا (ع) فرمودند: «هر که کار را از راهش بخواهد نمی‌لغزد، و اگر هم بلغزد چاره‌ای برایش خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۲۰، ج ۷۱، ص ۳۴۰).

در امر به معروف و نهی از منکر نیز پیش از هر اقدامی باید اندیشه کرد و شیوه صحیح را با توجه به ویژگی‌های مخاطب و نوع عمل پیدا نمود. برای مثال، در برخورد با گناهی که سر زده است به این سؤالات باید فکر کرد:

- موضع‌گیری فردی کافی است یا باید با هماهنگی دوستان و خانواده عمل کنیم؟

- ارشاد زبانی لازم است یا اقدام عملی؟

- از زبان تشویق استفاده کنیم یا از زبان تهدید؟

وقتی راه منطقی و ثمربخش امر به معروف و نهی از منکر را یافتیم باید به ادای تکلیف و انجام وظیفه بپردازیم.

جریان برخورد و بحث حضرت ابراهیم علیه السلام با آزر، خود بیانگر روش منطقی انبیا، حتی در مقابل بت پرستان است (انعام: ۷۹).

طرز پاسخ‌گویی قرآن نیز که از افراد می‌خواست با مراجعه به عقلشان قضاوت کنند (نمل: ۵۹، ۶۰ و ۶۴؛ مؤمنون: ۸۵، ۸۵، ۸۸ و ۹۰) مؤید همین مطلب است.

البته دلیل انتخاب این موضوع با توجه به سیره امام رضا علیه السلام بیش از همه، درک عمیق‌تر از زندگی ایشان است، بخصوص که ایشان مدتی در ایران بودند و با مردم ایران ارتباط زیادی داشتند. بنابراین، پرداختن به یک موضوع حتی جزئی و پراهمیت در زندگی ایشان می‌تواند ابعاد تازه‌ای را از زندگی ایشان برای ما روشن نماید؛ چراکه امام رضا علیه السلام الگوی کاملی برای انسان‌ها هستند، چه در دوران زندگی و حیات خود و چه برای مردمان پس از خود. ایشان دارای سرشتی بودند که همگان را به شگفتی وامی‌داشتند و دوست و دشمن را فریفته و شیفته خود می‌ساختند؛ بدان‌گونه که همواره زبان به ستایش ایشان می‌گشودند و از بزرگی انسانی ایشان سخن‌ها می‌گفتند و پیروان راستین امام، شخصیت آن حضرت را نمونه و الگوی رفتاری خویش قرار می‌دادند. بدین روی، آنان که شیفته آن امام بزرگند، باید همان‌گونه باشند که او بود و بدان‌سان زندگی کنند که امامشان می‌زیست و خود را با معیارهای رضوی محک بزنند. البته پس از بررسی مقاله‌ها و کتاب‌هایی که درباره امر به معروف و نهی از منکر نگاشته شده است، معلوم می‌شود که در این میان، کمتر به شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در معصومان علیهم السلام توجه شده است.

معرفی روش‌های تأثیرگذار ایشان در این زمینه، افق تازه‌ای در بین مسلمانان و شیعیان آن حضرات در عمل به این واجب الهی می‌گشاید و مشکل اصلی ما را در امر به معروف و نهی از منکر، که ندانستن شیوه‌های درست عمل به این واجب است، برطرف می‌کند و اجرای این مهم را برای ما آسان‌تر می‌سازد.

روش‌های امر به معروف و نهی از منکر

۱. عمل به دستورات الهی

وقتی به قوانینی که در بین همه کشورهای به صورت قوانینی مشترک و قابل قبول است، مراجعه کنیم به

حقوق اولیه‌ای بر می‌خوریم که قوانین اسلام نیز به آنها اذعان دارد؛ مانند رفتار با یکدیگر با روحیه برادری، برابری با وجود تفاوت رنگ و نژاد و زبان، داشتن امنیت شخصی، نفی بردگی، نفی شکنجه، حفظ شخصیت حقوقی، منع بازداشت خودسرانه، و اجتناب از دخالت در زندگی خصوصی دیگران. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱-۱۰) بهترین راهکار اجرایی شدن این قوانین، محافظت از راه‌های متعدد است که بهترین این راه‌ها را می‌توان در اسلام و سیره معصومان علیهم السلام مشاهده نمود.

نخستین و مؤثرترین روش برای دعوت دیگران به نیکی‌ها و بازداشتن از زشتی‌ها، آراستگی خود افراد بشر به تقوا و اخلاق نیکوست. صاحب جواهر، از فقهای شیعه، در این باره می‌نویسد:

آری، از بزرگ‌ترین راه‌های امر به معروف و نهی از منکر و والاترین و مؤثرترین آنها، خصوصاً نسبت به زعیمان دینی، این است که جامه کار نیک بپوشند و در کارهای خیر از واجب و مستحب پیش‌قدم باشند و جامه زشت‌کاری را از اندام خود دور کنند و نفس خویش را به اخلاق عالی تکمیل و از اخلاق زشت پاک سازند که این خود سبب مؤثر و کاملی است تا مردم به معروف گرایش پیدا کرده، از منکر دوری گزینند... (نجفی، ۱۳۶۶، ج ۲۱، ص ۳۸۲).

خداوند متعال می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۴۴)؛ آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خود را فراموش می‌کنید؟

در زندگی ائمه معصوم علیهم السلام نیز می‌بینیم بیشترین تأثیر امر به معروف و نهی از منکر به دلیل مطابقت رفتار آنها با گفتارشان بوده است. ایشان در برخورد با دیگران و یا با نوع زندگی خود در جامعه و با انجام عبادات خویش، روش زندگی مردم را اصلاح می‌کردند.

رجاء بن ضحاک - فرستاده مأمون برای بردن امام رضا علیه السلام، از مدینه به مرو - می‌گوید: از مدینه تا مرو خدمت حضرت رضا علیه السلام بودم و تمام رفتار و حرکات ایشان را زیر نظر داشتم. سوگند به خدا، کسی را در پرهیزگاری و ذکر خدا در همه اوقات و شدت خوف از خدا مانند او ندیدم. علی بن موسی علیه السلام پس از اقامه نماز صبح، در مصلاهی خود می‌نشست و مشغول تسبیح و تکبیر و ستایش خداوند بود و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش درود می‌فرستاد تا زمانی که خورشید طلوع می‌کرد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۹۴).

یکی از اهداف شیطانی مأمون از طرح مسئله ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام این بود که آن حضرت را به دستگاه پرزرق و برق خلافت و در نهایت، به دنیادوستی و جاه‌طلبی متهم کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۶۳)، ولی مناعت طبع و مقام زهد پیشوای هشتم توطئه او را خشتا کرد. امام علیه السلام پس از پذیرش ولایت‌عهدی نیز با بی‌اعتنایی به تشکیلات سلطنتی مأمون، به زندگی ساده و بی‌آلایش دوران پیش از ولایت‌عهدی خود ادامه دادند؛ چنان‌که /بوعباد مقام زهد و ساده‌زیستی حضرت رضا علیه السلام را چنین

توصیف می‌کند: حضرت رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیر می‌نشستند و در زمستان بر روی گلیم، و لباس‌های زبر و خشن بر تن می‌کردند؛ ولی هنگامی که در برابر مردم ظاهر می‌شدند خود را برای آنان می‌آراستند (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۱۹۲).

بدین‌سان، ایشان با عمل خود، معروف و منکر را به مردم نشان می‌دادند و مردم را در شناساندن راه صحیح راهنمایی می‌کردند. در این باره، *ابراهیم‌بن عباس* می‌گوید:

هرگز ندیدم که حضرت رضا علیه السلام با سخنش به احدی جفا کند. هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا از سخن خارج شود. هرگز با داشتن قدرت، نیازمندی را رد نکرد. هرگز در حضور دیگران پایش را دراز نمی‌کرد. هرگز غلامان و خدمت‌کاران را فحش و ناسزا نمی‌گفت. هرگز آب دهانش را روی زمین نمی‌انداخت (در حضور کسی) قهقهه سر نمی‌داد. خنده‌اش تبسم بود. در خلوت و تنهایی، سفره را می‌گسترده و همه غلامان، حتی دربان و کارپرداز خانه را هم بر سر سفره می‌نشاند (بروجردی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۱، ج ۲۳۳).

ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند؛ گفتار ما را سرلوحه زندگی در عمل و گفتار خود قرار دهند و مخالف دشمنان ما باشند، و هر که چنین نباشد از ما نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۰۳).

۲. امیدوار کردن مخاطب

ممکن است گنه‌کار به قدری آلوده و در گناه غوطه‌ور شده باشد که خود را بدبخت و محروم بیندارد و برای خود راه نجاتی در پیش رو نبیند. لازم است کسی که نهی از منکر می‌کند، آنها را بازسازی نماید و با بیان نمونه‌هایی از عفو الهی و مصداق‌هایی از آن او را امیدوار کند و ناامیدی و یأس را از او دور سازد. باید به او گفت: یأس و ناامیدی از گناهان کبیره است و او به راحتی می‌تواند در مسیر بهره‌گیری از رحمت الهی قرار گیرد.

روزی یکی از منافقان در مجلسی به حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام گفت: بعضی از شیعیان و دوستان شما خمر می‌نوشند؟ امام فرمودند: سپاس خداوند حکیم را که آنها در هر حالتی که باشند، هدایت شده و در اعتقادات صحیح خود ثابت و مستقیم هستند. سپس یکی دیگر از همان منافقان که در مجلس حضور داشت، به امام علیه السلام گفت: بعضی از شیعیان و دوستان شما «نبیذ» می‌نوشند؟ حضرت فرمودند: بعضی از اصحاب رسول خدا نیز چنین بودند. منافق گفت: منظورم از نبیذ، آب عسل نیست، بلکه منظورم شراب مست‌کننده است. ناگاه حضرت با شنیدن این سخن، عرق بر چهره مبارکشان ظاهر شد و فرمودند: خداوند کریم‌تر از آن است که در قلب بنده مؤمن علاقه به خمر و محبت ما

اهل‌بیت رسالت را کنار هم قرار دهد و هرگز چنین نخواهد بود. سپس حضرت لحظه‌ای سکوت نمودند و پس فرمودند:

اگر کسی چنین کند و بدان علاقه نداشته باشد و از کرده خویش پشیمان گردد، در روز قیامت مواجه خواهد شد با پروردگاری مهربان و دلسوز، با پیغمبری عطف و دل‌رحم، با امام و رهبری که کنار حوض کوثر است، و دیگر بزرگانی که برای شفاعت و نجات او آمده‌اند. اما تو و امثال تو در عذاب دردناک و سوزان برهوت گرفتار خواهید بود (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۱۴، ح ۱۲).

همان‌گونه که می‌بینیم، امام رضا علیه السلام ضمن آنکه سخنانی را بیان می‌کنند که بر محفوظ بودن حقوق افراد دلالت دارد، اما در ضمن، از اموری نهی می‌کنند که در ظاهر ممکن است آزادی افراد تلقی شود و حتی اعلامیه حقوق بشر نیز این آزادی‌ها را به رسمیت بشناسد؛ اما در واقع، آنچه با منطبق حقوق بشری سازگار است این است که نهی از چنین اموری با روشی زیبا و دل‌پسند انجام گیرد.

۳. حسن ظن به مخاطب (مثبت‌اندیشی)

هدف از امر به معروف و نهی از منکر اصلاح جامعه و هدایت و اجرای حدود و ترویج مکارم اخلاقی است. بنابراین، کسی که برای چنین هدفی تلاش می‌کند باید رضای خدا را در نظر بگیرد و با خلوص نیت و حسن ظن، افراد ناآگاه و فریب‌خورده را آگاه کند و این عمل را وسیله‌ای برای رسیدن به مقام و مال و مقاصد دنیوی دیگر قرار ندهند. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «سزاوار است امر به معروف و ناهی از منکر در امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن مانند طبیب مهربان و پدر رئوفی باشد که رعایت مصلحت بیمار و فرزند را می‌کند؛ قصدش فقط رضای خدا باشد» (خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴۲).

علی‌بن سوید می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم من با زنان زیباروی فراوانی سر و کار دارم و هنگامی که به آنان می‌نگرم از زیبایی آنها لذت می‌برم. امام علیه السلام فرمودند: اگر نیت صادق داشته باشی و هدف شهوت‌رانی نباشد مانعی ندارد. مواظب باش که به زنا آلوده نشوی. از موجبات آن بپرهیز؛ زیرا زنا برکت و ایمان را نابود می‌سازد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۳۱، ح ۳).

اگر او این سؤال را از دیگری می‌پرسید پاسخگو ابتدا در تعجب بسیار به سر می‌برد که آیا واقعاً تو چنین می‌کنی؟! سپس شروع به نهی او می‌کرد. اما امام، که خود صاحب تمام مکارم اخلاقی است، در حق بندگان خدا نیز به همین شکل رفتار می‌کند و موضوع را به این صورت بیان می‌کند که شاید

منظورت شهوت‌رانی نبوده است؛ اما اگر غیر این است باید از این کار بپرهیزی. بنابراین، امام صورت دیگری از این قضیه را برایش مطرح می‌سازند تا او را متوجه خطای خود کنند و امر به معروف نیز بر او مؤثرتر واقع شود.

بنابراین، افراد جامعه اگر بخواهند حقوق تمام افراد همه جا محفوظ بماند حتماً باید نگاهی دلسوزانه به یکدیگر داشته باشند تا بتوانند به دیگران کمک کنند. شاید طرف مقابل واقعاً نداند و شاید متوجه عواقب گناهی که می‌کند نباشد. البته امام اینجا شاید در مقام بیان فتوای صریح نبوده‌اند. به همین دلیل، ابتدا هدف ایشان این است که به طریقی فرد را بهتر متوجه خطایش بنمایند و این به دلیل مهربانی زیادی است که در ایشان وجود دارد.

۴. معرفی الگوهای خوب و بد

برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر، می‌توان به معرفی الگوهای خوب و بد در هر زمینه پرداخت. صبر ایوب، عفت یوسف، شکرگزاری سلیمان و خضوع و خشوع ابراهیم، همه الگوهای معرفی شده از زبان قرآن هستند.

وقتی امام رضا علیه السلام در مقابل منافقی قرار گرفتند که به دلیل قبول ولایت‌عهدی طاغوت زمان، ایشان را مورد سؤال قرار داد و قصد داشت چنان‌که پاسخ درستی از آن حضرت نشود ایشان را با سلاحی که مخفی کرده بود، نابود کند، پاسخ دادند: «آیا اینها بدتر است، یا کفر پادشاه مصر و درباریانش؟ آیا اینها مسلمان و معتقد به وحدانیت خدا نیستند؟ حضرت یوسف با اینکه پیامبر و نیز پسر پیامبر و نوه پیامبر بود، از پادشاه مصر تقاضا کرد تا وزیر دارایی و خزانه‌دار اموال و دیگر امور مملکت باشد و حتی در جای عزیز مصر نشست؛ در جایی که می‌دانست او کافر محض است. من نیز یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم و تقاضای دخالت در امور حکومت را نداشتم، بلکه آنان مرا در برابر چنین امری مجبور کردند و به ناچار و بدون رضایت قلبی بر چنین موقعیتی قرار گرفتم.» آن شخص جواب حضرت را پسندید و تشکر کرد و از قصد خود برگشت (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۶۶، ح ۸۶).

بدین‌سان، ایشان برای پذیرش یک امر معروف، استناد به عمل یکی از پیامبران نمودند و همین منجر به پذیرش آن شخص و از بین بردن تردید او گردید. و چه الگویی بهتر از امامان معصوم علیهم السلام که این چنین در کنار انجام وظیفه الهی خود، اخلاق نیک را در بالاترین سطح خود رعایت می‌کردند؟

در همه جای دنیا، افرادی هستند که تا حدی می‌توانند الگوی سایر مردم باشند، به سمت کارهای خوب می‌روند و با همین صفت هم شناخته می‌شوند، با ظلم می‌جنگند و در مقابل ظالمان می‌ایستند.

چقدر خوب است که در همه‌جا این افراد به مردم شناسانده شوند تا دیگران نیز با معروف آشنا شوند و بدان عمل کنند.

۵. بیان خوبی‌ها

در نهی از منکر و امر به معروف، لازم است فقط بر نقاط ضعف تکیه نشود و خوبی‌ها و نقاط قوت مخاطب هم بیان شود؛ زیرا این امر او را در شنیدن و عمل به معروف و اجتناب از منکر یاری خواهد داد و سوءظن او را نسبت به امر به معروف و ناهی از منکر از بین می‌برد.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را [ولایت] زنده کند». راوی می‌گوید: گفتم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمودند: «علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را بدانند از ما پیروی خواهند کرد (آرام و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۱).

از جمله این سخنان زیبا، حدیثی است که جرجانی از امام هشتم علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام - درباره قدر و منزلت مؤمن نزد ملائکه الهی روایت کرده است که جماعتی از دوستان امام صادق علیه السلام در شبی مهتابی و منور گرد حضرتش بودند و آسمان کاملاً نورانی به ستارگان بود. گفتند: یابن رسول الله، این نیلگون آسمان چقدر روشن است! و نور ستارگان و کواکب بسیار درخشنده است! امام در پاسخ آنان فرمود: شما این چنین می‌گویید، اما فرشتگان مدبّر و کارگزار، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و قابض‌الارواح، از فراز آسمان به شما و برادرانتان می‌نگرند و (انعکاس) نور شما (مؤمنان طرفدار اهل‌بیت علیهم السلام) به آسمان و ایشان بسیار روشن‌تر از انوار این ستارگان است و همین وصف شما را آنان نیز می‌گویند که چه نیکوست نور این مؤمنان در ملکوت! (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، ۶۴۸، باب ۳۰).

ایشان درباره علت واجب شدن وضو پیش از نماز می‌فرمایند: علت واجب شدن وضو پیش از نماز این است که وقتی شخص برای مناجات با خدای جبار می‌ایستد پاک باشد و از آلودگی‌های ظاهری خود را بشوید. علاوه بر آن، وضو موجب از بین رفتن حالت کسالت و خواب‌آلودگی و پاک ساختن دل برای مناجات با خداوند جبار می‌گردد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷۹).

نیز میزان ارزش عالم و فقیه در روز قیامت، نسبت به عابد را این‌گونه بیان می‌دارند: روز قیامت به عابد گفته می‌شود: «در دنیا مرد خوبی بودی، همت و کوشش تو به صلاح خودت بود و بار رحمت خود را از دوش دیگران برداشتی. بنابراین، به بهشت در آی (به تنهایی بدون اینکه دیگری را با خود ببری). اما به فقیه، که خیرش را به مردم می‌رساند، آنها را از دشمنان نجات می‌دهد و نعمت‌های بهشت الهی را بر آنان سرشار می‌سازد، و رضای خدای تعالی را برای مردم روشن می‌سازد، در روز قیامت

گفته می‌شود: «ای کسی که کفیل و سرپرست یتیمان آل محمد علیهم السلام بودی، افراد ضعیف از محبان و دوستان آل محمد علیهم السلام را هدایتگر بودی. درنگ کن تا برای هرکس که از تو بهره‌ای گرفته یا علمی اندوخته است، شفاعت کنی».

عالم می‌ایستد، و شفاعت می‌کند. بدین‌سان، ده فئام (ده گروه صد هزار نفری) همراه او به بهشت می‌روند. اینان کسانی بودند که علوم خود را از عالم گرفته بودند، یا از شاگرد او یا از شاگرد شاگرد او، و همین‌گونه تا روز قیامت. پس بنگرید چه تفاوتی بین این دو مقام (عالم به علوم اهل بیت، با عابد) وجود دارد (مجلسی، بحار، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶۵، ح ۱۰).

بیان کدام‌یک از این مطالب دل انسان را نرم نمی‌کند و رغبت او را در رفتن به سمت معروف و پرهیز از منکرات ایجاد نمی‌کند.

۶. ایجاد محبت در دل مخاطب

عشق و محبت بهترین تأثیرگذاری را در امر به معروف و نهی از منکر دارد. در قرآن، موارد زیادی وجود دارد که خداوند نعمت‌های خود را بیان کرده است تا علاقه افراد را نسبت به خود زیاد کند و چه خوب است معلمان ما، پدرها، مادرها، بزرگ‌ترها و مسئولان نسبت به افراد زیردست خود از این شیوه استفاده کنند؛ دل‌سوزی و کارهای مثبت خود را برای آنها بیان کنند تا مخاطبان مجذوب ایشان شوند و سخنان آنها تأثیر بیشتری بگذارد.

این امر نه تنها در جهت مثبت، بلکه حتی در جهت منفی هم اثر دارد. شیطان وقتی می‌خواست آدم و حوا را گمراه کند خود را خیرخواه و دل‌سوز معرفی کرد و بر آن سوگند یاد کرد. سپس آنها را در جهت خواسته خود ترغیب کرد.

خادم می‌گوید: «وقتی امام رضا علیه السلام خلوت می‌کردند، تمام افراد و خدمت‌گزاران خود را از کوچک و بزرگ نزد خود گرد می‌آوردند و با آنها سخن می‌گفتند و انس می‌گرفتند و آنها را مأنوس خود می‌ساختند. آن حضرت چنان بودند که هر گاه بر سفره طعام می‌نشستند، هر کوچک و بزرگی حتی میر آخور و حجام را بر سفره خود می‌نشاندند» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۵۹).

ایشان غیر خویشان خود را که دارای تقوا و دیانت بودند، به خود نزدیک می‌کردند و انواع محبت‌ها را به آنان می‌نمودند (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۴۹، ص ۲۲۱، ح ۱۰).

هرگاه مالی به دست ایشان می‌رسید، همه را انفاق می‌کردند. بخشش ایشان به مردم فراوان بود. در یک روز عرقه، تمام مال خود را به فقرا انفاق کردند (عطار، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۴۸، مقدمه).

به شعرایی که در مدح ائمه معصوم علیهم السلام و مصایب آنان اشعاری می‌سرودند مال فراوانی می‌دادند (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۴۹، ص ۲۳۴-۲۶۰، ب ۱۷) در اعیاد و روزهای مهم مذهبی، اگر کسی از آن حضرت عیدی می‌خواست، عیدی ارزشمندی به او می‌دادند. به بعضی از دوستان خود در حال سفر، برای سوغاتی کمک مالی می‌کردند. گاهی در مقابل درخواست دوستان، لباس و نعلین خود را به آنان می‌بخشیدند. هرکس به خانه آن حضرت وارد می‌شد، حتماً به او غذا می‌خورانیدند و کسی از خانه آن حضرت گرسنه بیرون نمی‌رفت (مجلسی ۱۴۲۰ق، ج ۷۱، ص ۳۵۲، ح ۸).

۷. جایگزین کردن

یکی از موجبات انجام منکر آن است که زمینه انجام معروف فراهم نیست. اگر بتوانیم زمینه‌های انجام معروف را فراهم کنیم، از ارتکاب منکر جلوگیری کرده‌ایم.

هنگامی که خداوند می‌خواست حضرت آدم را از خوردن چیزی منع کند، ابتدا به او اجازه داد از غذاها و خوراکی‌های دیگر استفاده کند و فرمود: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵)؛ و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت گزین، و از (نعمت‌های) آن گوارا هر چه می‌خواهید بخورید، (اما) نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد!

اگر زمینه ازدواج آسان را فراهم کنیم بسیاری از جوان‌ها به دنبال فحشا و زنا نمی‌روند و تن به ازدواج خواهند داد و از بسیاری مفاسد جلوگیری می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است» (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹).

در صورتی که زمینه تفریح سالم و ورزش جوانان فراهم شود، از بسیاری از مفاسد جلوگیری می‌گردد.

روزی غلامان پیش از اینکه میوه‌ها را کامل بخورند، آنها را دور انداختند. امام رضا علیه السلام به آنان فرمودند: سبحان الله! اگر شما از آن بی‌نیازید، کسانی هستند که به آن محتاجند. آن را به کسی بدهید که نیازمند آن است (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۴۹، ص ۱۰۲).

بدین‌سان، اگر آنها را از اسراف منع می‌کنند، انفاق را کنار آن قرار می‌دهند، و اگر منکری را خاطر نشان می‌کنند، معروفی را کنار آن جایگزین می‌سازند.

احمد بن عمر می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ما خانواده اهل بخشش و خوش‌نعمت بودیم، اما خداوند همه را گرفت، تا آنجا که محتاج کسانی شده‌ایم که نیازمند ما بودند.

امام فرمودند: ای احمدبن عمر، چه حال خوبی داری! گفتم: فدایت شوم، حال من چنان بود که خبر دادم. فرمودند: آیا دوست داری بر حالتی باشی که این جباران هستند و حال و وضعیت آنان را داشته باشی؛ دنیایی پر از طلا از آن تو باشد؟ گفتم: نه، یابن رسول الله. امام علیه السلام خندیدند و فرمودند: از همین جا بازمی‌گرددی، چه کسی حالش از تو بهتر است؟ در دست تو صنعت و هنری است که آن را به دنیایی پر از طلا نمی‌فروشی آیا بشارت دهم؟ گفتم: آری، یابن رسول الله! خداوند مرا به تو و پدران تو شاد کند (طوسی، ۱۴۰۴ق ج ۲، ص ۸۵۹).

امام رضا علیه السلام در اینجا برای اینکه جلوه‌گری دنیا را از نظرش بیندازند، او را به ارزش واقعی ایمان و خط فکری و ارتباطش با اهل بیت علیهم السلام متوجه ساختند و یادآور شدند که دشمنان با همه ثروت و امکاناتی که دارند، وقتی به بیراهه می‌روند فاقد ارزش می‌شوند. بعکس، ارزش در خط فکری سالم و ارتباط با خداست.

در صورتی که مسئولان مملکتی از عدالت و تقوای کافی برخوردار باشند، از بسیاری از بدبینی‌های مردم جلوگیری می‌شود. ایجاد اشتغال برای جوان‌ها می‌تواند از انجام بسیاری از منکرات جلوگیری کند. اسلام به حج و نماز جماعت و جمعه و روزه ماه رمضان اهمیت زیادی داده است؛ زیرا نمایش این عبادات موجب می‌شود ایمان به خدا در جامعه تقویت شود و با این کار بسیاری از مشکلات حل می‌شود و بسیاری از خوبی‌ها در جامعه جلوه می‌کند و در نتیجه، از فراهم شدن زمینه منکرات جلوگیری می‌شود.

۸. رسوا کردن چهره‌های منحرف

در جامعه، به اشخاصی برخورد می‌کنیم که از ایمان کافی برخوردار نیستند و حاضرند دست به هر کار خلافی بزنند و برخی افراد با خودفروشی به بیگانگان، مردم را اغفال نموده، حقایق را وارونه جلوه می‌دهند. این گروه در لحظات حساس، ساز جدایی می‌زنند و سعی می‌کنند بین مردم و نظام اسلامی تفرقه ایجاد کنند. لازم است این چهره‌ها در هر زمانی با بیان دلایل کافی افشا شده، به مردم معرفی شوند. زیدبن موسی، برادر امام رضا علیه السلام، در مدینه خروج کرد و دست به کشتار و آتش زد. هنگامی که بر مأمون وارد شد، امام علیه السلام جوابش را ندادند. زید ناراحت شد و گفت: من پسر پدرت هستم، جواب سلام را نمی‌دهی؟ فرمودند: تو تا وقتی که در اطاعت خدا باشی، برادر منی. وقتی خدا را معصیت کنی بین من و تو برادری نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۶۱).

نیز عمیربن یزید می‌گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودم، سخن از عموی آن حضرت به میان آمد. امام

فرمودند: برخودم عهد کرده‌ام که سقف خانه‌ای بر من و او سایه نیفکند. پیش خود گفتم: او ما را به نیکی و صلّه رحم فرمان می‌دهد، ولی خودش درباره عموی خود چنین می‌گوید. امام علیه السلام نگاهی به من کردند و فرمودند: این از نیکی و صلّه است، هر وقت که نزد من آید و من به خانه‌اش بروم و درباره من سخنانی بگوید، مردم او را تصدیق می‌کنند و حرف‌هایش را می‌پذیرند، ولی اگر پیش من نیاید و من به خانه او بروم، مردم حرف‌هایش را نمی‌پذیرند (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۲۱).

بدین‌سان، امام به اشکال گوناگون، افرادی را که از دین منحرف شده بودند، رسوا می‌کردند و با این کار، منکر را نشان می‌دادند.

در قضیه پذیرش ولایت‌عهدی نیز این شیوه به چشم می‌خورد. امام با اینکه ولایت‌عهدی مأمون را پذیرفتند، هیچ‌گاه حکومت او را به رسمیت نشناختند. حضرت می‌فرمودند: «این حکومت بر ستم بنا نهاده شده است». نیز می‌فرمودند: «... من در عزل و نصب احدی دخالت نمی‌کنم و رسمی را تغییر نمی‌دهم و سنتی را نمی‌شکنم...» (صدوق، ۱۳۷۲، ص ۳۱۵).

در جای دیگر، امام خطاب به مأمون چنین می‌فرمایند: مأمون ولایت امر مسلمانان را به من سپرده و این مسئولیتی بس خطیر است. وی حرام خدا را حلال، و حلال خدا را حرام کرده و با این حال، در صدد است این نسبت‌ها را به ما بدهد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۳۶۴).

از مجموع این روایات، برمی‌آید که امام رضا علیه السلام پس از رسیدن به مقام ولایت‌عهدی، هرگز در صدد سازش با حکومت ظالمانه مأمون برنیامدند، بلکه در هر فرصتی علاوه بر اعلام حقانیت اهل بیت علیهم السلام در امر حکومت و زمامداری جامعه، غاصبانه بودن حکومت مأمون را متذکر می‌شدند.

این روش به ما نشان می‌دهد که هرگز نباید در مقابل کسانی که حقوق مردم را پایمال می‌کنند ساکت نشست و به هر وسیله‌ای که هست و تا هر جا که می‌توان، باید از آن دفاع کرد.

۹. بیان علت و فلسفه یک حکم

انسان مؤمن همواره باید تسلیم امر خدا باشد و در هر امری به تمام دستورات مولا عمل کند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «بدانید که تسلیم اوامر الهی بودن در رأس طاعت و بندگی حق تعالی قرار دارد، خواه انسان فلسفه و دلیل دستور حق تعالی را بفهمد و به عمقش پی ببرد و خواه از آن چیزی نفهمد و از درکش عاجز باشد (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۲۰۹).

اما بیان علت و فلسفه یک حکم موجب ایجاد یقین در شنونده و عمل بسیار بهتر می‌گردد. به همین

دلیل، خداوند در قرآن زیاد از این شیوه استفاده کرده است. علاوه بر این، در کنار احکام، همواره احادیثی وجود دارد که علت حکم را روشن می‌کنند.

اصولاً احتجاجات و استدلال‌های معصومان علیهم السلام با مذاهب و مکاتب گوناگون، نمونه خوبی از برخوردهای حکمت‌آمیز است که کتاب **احتجاج** مرحوم طبرسی و کتاب‌هایی از این قبیل، آینه‌ای از این نوع برخوردهاست. اینکه امام رضا علیه السلام به «عالم آل محمد علیهم السلام» لقب یافته، نتیجه همین احتجاجات و برخوردهای استدلالی و کلامی آن حضرت با ادیان و مکاتب گوناگون بوده است؛ زیرا این زمینه برای آن بزرگوار بیش از دیگر معصومان فراهم آمد. به همین دلیل، بخش‌هایی از کتاب پراهمیت **عیون اخبار الرضا** (ب ۳۲، ج ۲، ص ۸۸-۹۸) به بیان علل احکام از زبان آن حضرت اختصاص یافته است.

علت حرام بودن همجنس‌بازی: امام رضا علیه السلام فرمودند: علت حرام شدن همجنس‌بازی و روی آوردن مردان به مردان (لواط) و نیز روی آوردن زنان به زنان (مساحقه) از آن روست که این کار سبب از بین رفتن نسل بشر و برهم خوردن نظم و تدبیر جامعه و نابودی نظام بشری است، و دیگر آنکه ساختار روحی و جسمی زنان و سرشت و وجودی مردان طوری خلق شده که هر یک با ترکیب دیگری کامل می‌شود (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۰۱).

۱۰. حرکتهای دسته‌جمعی

برای امر به معروف‌های مهم و جلوگیری از برخی منکرات، گاهی لازم است به صورت دسته‌جمعی حرکتی صورت گیرد تا آن معروف در جامعه تحقق یابد و از انجام منکر جلوگیری شود. می‌توان گفت: بسیاری از راهپیمایی‌هایی که در طول تاریخ انقلاب اسلامی صورت گرفته در تحقق اهداف مزبور مؤثر بوده و زمینه از بین رفتن بدترین منکرات مانند حکومت طاغوت به وسیله همین راهپیمایی‌ها فراهم شده است. نیز زمینه ایجاد بهترین معروف‌ها همچون برقراری نظام جمهوری اسلامی توسط همین راهپیمایی‌ها صورت گرفته است. برای تحکیم این نظام نیز انجام راهپیمایی‌ها یکی از مؤثرترین عوامل به شمار می‌آید؛ چنان‌که حج از قوی‌ترین عوامل برای بقای اسلام است.

مسئله‌ای که در تبیین جایگاه شیعه و معارف اسلامی نقش برجسته‌ای دارد و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز هست، همین حرکات دسته‌جمعی مسلمانان است و دشمنان دین به دلیل آثار بسیار زیاد آن مخالف انجام چنین حرکتی هستند. حتی شاید علت آنکه مأمون امام رضا علیه السلام را از مسیر غیر اصلی - بصره، اهواز، فارس و نیشابور به جای راه کوهستان و قم - حرکت داد (کلینی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۰۷) این بود که شیعیان کمتری در آنجا حضور داشتند، و نیز عاملی که موجب شد حضرت در

مسیری که به سمت مرو در حرکت بودند، در نیشابور حدیث قدسی بسیار مهم «... اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي... بِشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ خداوند عزوجل می‌فرماید: «لا اله الا الله» حصار محکم من است؛ هرکس داخل آن شود از عذاب من ایمن خواهد بود... البته به شروطی که پذیرش ولایت من از جمله شروط آن است» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۹۹) را مطرح نمودند، اجتماع عظیم و تقاضای مردم و طالبان علم بود که این همه بیانگر دوستی آنها به اهل بیت علیهم السلام بود.

البته یکی از بارزترین مظاهری که این شیوه را در زمان حضور آن حضرت در ایران نشان می‌دهد، شیوه حضور ایشان در نماز عید فطر است. مأمون پس از آنکه امام رضا علیه السلام را مجبور به پذیرش ولایت عهدی خود نمود، درصدد برآمد با ترفندی، مردم حضور امام در دستگاه خلافت و دخالت ایشان در امور جاری را ببینند. از این رو، از امام رضا علیه السلام خواست نماز عید فطر را اقامه کند. اما امام به شروط خود مبنی بر دخالت نکردن در امور حکومت اشاره کردند و از پذیرش این امر خودداری کردند، ولی مأمون پیوسته اصرار کرد تا اینکه امام مجبور شدند آن را بپذیرند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر مرا معذور داری دوست‌تر دارم و اگر معذورم نداری من آن‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام برای نماز عید بیرون می‌رفتند، بیرون می‌روم. مأمون گفت: هرگونه که می‌خواهی بیرون برو. ایشان سپس به سرلشکران و پرده‌داران و دیگر مردمان دستور دادند: فردا صبح جلوی منزل ایشان آماده باشند. صبح آن روز مردم برای دیدار حضرت رضا علیه السلام بر سر راه‌ها و بالای بام‌ها نشسته بودند و زنان و کودکان نیز همگی بیرون آمده، چشم به راه آن حضرت بودند.

آن حضرت با پای برهنه در حالی که زیر جامه خود را تا نصف ساق پا بالا زده بودند، به راه افتادند. سپس اندکی راه رفتند و آنگاه سر به سوی آسمان بلند کردند و تکبیر گفتند و همراهان و موالیان ایشان نیز تکبیر گفتند. حضرت سپس به راه افتادند تا به در خانه رسیدند. سربازان که آن حضرت را بر آن حال دیدند، همگی خود را از مرکب پایین انداختند و کفش‌های خود را بیرون آوردند.

پس حضرت تکبیر گفتند و مردم نیز با ایشان تکبیر گفتند؛ گویی آسمان و درها و دیوارها نیز با ایشان تکبیر می‌گفتند. مردم که حضرت رضا علیه السلام را در آن حال دیدند و صدای تکبیر آن حضرت را شنیدند، چنان صداها را به گریه بلند کردند که شهر مرو به لرزه درآمد. خبر به مأمون رسید. فضل‌بن سهل گفت: اگر علی‌بن موسی رضا علیه السلام بدین حال به مصلماً رود مردم شیفته او خواهند شد و همه ما بر خون خود اندیشناک خواهیم گشت. بی‌درنگ، کسی را به نزد او بفرست که بازگردد. مأمون نیز کسی را

فرستاد و به آن حضرت گفت: ما شما را به زحمت و رنج انداختیم و ما خوش نداریم که سختی و مشقتی به شما برسد؛ شما بازگردید؛ هر کس همیشه با مردم نماز می‌خوانده است، اکنون نیز نماز عید را خواهد خواند. حضرت رضا علیه السلام کفش خود را طلبیدند و پوشیدند. سپس سوار بر مرکب شدند و بازگشتند. آنگاه اجتماع مردم پراکنده شد و نماز مرتبی خوانده نشد» (مفید، ۱۳۴۱ق، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷).

بنابراین، یکی از شیوه‌های تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر این است که این سنت نیکو دسته‌جمعی به وسیله مسلمانان برگزار شود؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر برای این تشریح شده است که طغیانگری صورت نگیرد، چه طغیان در برابر خدا و چه در برابر خلق خدا. جامعه‌ای که به سنت امر به معروف و نهی از منکر عمل کند، جامعه‌ای ظلم‌ستیز است و زمینه برای رویش عدل مساعد خواهد بود.

۱۱. استعلایی بودن حالت امر و نهی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان مورخ ۱۹ خرداد ۱۳۷۹ نظام امر به معروف و نهی از منکر را یکی از مهم‌ترین نقاط افتراق و وجوه تمایز نظام اسلامی با نظام کمونیستی عنوان نموده، ویژگی‌هایی برای این نظام برشمردند؛ از آن جمله این بود که امر و نهی باید به حالت استعلایی باشد. شیوه امر و نهی شیوه خواهش و تقاضا و تضرع نیست.

در میان ویژگی‌های نظام امر به معروف و نهی از منکر، «استعلا» از برجستگی بسیاری برخوردار است و شاید بتوان گفت: فصل منطقی امر به معروف و نهی از منکر با مفاهیمی همچون موعظه، ارشاد، نصیحت و تبلیغ همین است.

مراد از «استعلا» در اینجا، برتری‌طلبی به لحاظ مقام و موقعیت شخصی نیست؛ چراکه آن نزد خدا و مبتنی بر تقواست. علاوه بر آن، وعظ و نصیحت در جای خود در اثربخشی این واجب الهی اثرگذار است.

اما اینکه معنای «امر» و «نهی» در امر به معروف و نهی از منکر «وعظ و نصیحت» باشد، هم مبتنی بر شواهدی از آیات قرآن (شعراء: ۱۶۲-۱۶۷) است و اتفاق فقها که می‌گویند: در کلمه «امر»، مفهوم «علو» و یا «استعلا» مستتر است؛ یعنی کسی که امر می‌کند، یا باید بر مأمور برتری داشته باشد، یا خود را در چنین مقامی قرار دهد و از موضع بالا امر کند. خواهش و استدعا کردن «امر» نیست؛ اینکه بگوید «من خواهش می‌کنم این کار را بکنید» امر نیست. مقتضای کلمه «امر» این است که باید به صورت استعلا

باشد. حتی بعضی از فقها احتیاط کرده، می‌گویند: تکلیف امر به معروف و نهی از منکر زمانی تحقق می‌یابد که امر «عن استعلاء» امر کند (مصباح، ۱۳۸۷، ص ۱۶). شیوه برخورد حضرت زهرا علیها السلام در برخورد با ظالمان زمان این نظر را کاملاً تأیید می‌نماید.

حضرت فاطمه علیها السلام در عمل به مراحل نهی از منکر، هرگاه احساس می‌کردند گفت‌وگو و موعظه و ارشاد تأثیری ندارد، به افشاگری می‌پرداختند. ایشان در مقابل اعمال زشت حاکمان زمان، که حقوق ایشان را غصب کرده و مرتکب اعمال ناپسند شده بودند، وقتی از گفت‌وگوی رو در رو نتیجه‌ای نگرفتند، در جمع مسلمانان به افشاگری و تظلم پرداختند (صادقی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۰؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۲۹۹).

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی همیشه تر و تازه و باطراوت و شاداب می‌ماند. طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید، نه اینکه از او خواهش کنید. باید بگویید: آقا! نکن، این کار یا این حرف درست نیست! امر و نهی باید با حالت استعلا باشد. البته این «استعلا» معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران و ناهیان بالاتر از منهایان باشند. نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است، مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید. نه، باید گفت: آقا! این اشتباه را نکن! چرا اشتباه می‌کنی؟ طرف، هر کسی هست - بنده که طلبه حقیری هستم - از بنده مهم‌تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۹ تیر ۱۳۷۹، به نقل از: نرم‌افزار تخصصی امر به معروف و نهی از منکر).

محمد بن عامر می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم می‌فرمودند: ای محمد، شنیده‌ام با واقفیه همنشینین داری و در مجلس آنها شرکت می‌کنی؟ عرض کردم: آری، قربانت گردم! با آنها نشست و برخاست دارم، ولی مخالف ایشان هستم. آن حضرت فرمودند: همنشین آنها نباش. خداوند فرموده است: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَفْعَلُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ» (نساء: ۱۴۰)؛ و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده است که هرگاه می‌شنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری پردازند، وگرنه شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، همه منافقان و کافران را در دوزخ جمع می‌کند. مقصود از «آیات» امامان و اوصیایی هستند که واقفیه به آنها عقیده ندارند (عطاردی، اخبار و آثار حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۹۷ ق، ص ۸۰۶).

۱۲. امر به معروف و نهی از منکر تا آخرین حد توان

خداوند در قرآن سربپیچی نهی از منکر را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «كَأَنَّهُمْ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده: ۷۹)؛ از اعمال زشت همدیگر را نهی نمی‌کردند و چه کار زشتی انجام می‌دادند!

در تفسیر نمونه، دربارهٔ این موضوع آمده است: «آنها به هیچ وجه، مسئولیت اجتماعی برای خود قایل نبودند و یکدیگر را از کار خلاف نهی نمی‌کردند و حتی جمعی از نیکان آنها با سکوت و سازش‌کاری، افراد گناهکار را عملاً تشویق می‌کردند» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۴).

بدین‌رو، برای آنکه جامعه ما سالم بماند هر یک از ما باید در حدّ توان خود، دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کند. در جامعه اسلامی، در دوران انتظار، همهٔ آحاد جامعه نسبت به این فریضهٔ حیاتی مسئولیت دارند و همه باید برای اجرای این دو فریضهٔ مهم، حسّاس باشیم و در حدّ توان، به ارائهٔ معروف‌ها و محدود کردن منکرات در جامعه بپردازیم.

بی‌تفاوتی نسبت به منکرات و احساس مسئولیت نکردن در این زمینه، موجب رواج کارهای ناپسند در جامعه خواهد شد و با حضور عموم مردم در صحنه، این واجبات در سطح جامعه زنده و پویا خواهد ماند.

در خصوص تحت فشار قرار گرفتن امام رضا علیه السلام برای پذیرش ولایت‌عهدی، چنین آمده است: چون امام رضا علیه السلام ولی عهد شدند، شنیدم دست به آسمان برداشتند و گفتند: بارخدا! تو می‌دانی که من در فشارم و چاره‌ای ندارم. از من مؤاخذه مکن؛ چنان‌که از بندهات و پیغمبرت یوسف برای ولایت مصر مؤاخذه نکردی که گرفتار آن شد» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۵۹).

یکی از دلایل قبول ولایت‌عهدی از سوی امام رضا علیه السلام این بود که بدین شیوه زمینهٔ حضور اهل‌بیت علیهم السلام در صحنهٔ سیاست، که سال‌ها از آن محروم بودند، فراهم می‌شد تا مردم گمان نکنند آنها فقط عالم و فقیهند و نمی‌توانند حکومت و زمام‌داری کنند. امام علیه السلام در پاسخ به سؤال ابن عرفه که «چه چیزی شما را مجبور به پذیرش ولایت‌عهدی مأمون کرد»، پاسخ دادند: همان چیزی که جدّم امیرالمؤمنین را واداشت در شورای شش نفری شرکت کند (صدوق، عیون اخبار الرضا علیهم السلام، ۱۳۷۲، ص ۳۱۵).

اگر امام ولایت‌عهدی مأمون را نمی‌پذیرفتند، امت اسلامی گمان می‌بردند که ائمهٔ اطهار علیهم السلام نمی‌خواهند حاکمیت در اختیارشان باشد. به دیگر سخن، مردم در آن صورت می‌پنداشتند که حکومت

امری جدای از دین است و آمیختگی دین و سیاست مقبول اسلام نیست. امام علیه السلام در واقع، بر آن بودند تا عملاً این اندیشه را در هم بشکنند (مدرسی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳ و ۲۶۴).

در مجموع، نتایج پذیرش ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام را می‌توان چنین برشمرد: کاهش فشار بر علویان و دوست‌داران امام، معرفی حقایق و ارزش‌های دینی در جریان پذیرفتن ولایت‌عهدی، برملا ساختن چهرهٔ منافقانه و ظالمانهٔ مأمون، تلاش‌های وسیع حضرت در جریان مناظره با ادیان مختلف در بیان توحید، محبوب شدن امام علیه السلام در بین رؤسای مذاهب و مردم پس از مناظره، وارد شدن امام رضا علیه السلام به صحنهٔ سیاست پس از سال‌ها دوری امامان و اهل‌بیت علیهم السلام از حکومت، اعلام نامشروع بودن دستگاه خلافت مأمون از سوی امام علیه السلام با اینکه حضرت در منصب ولایت‌عهدی قرار داشتند، و تحقق نیافتن اهداف مأمون در پی ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام که در نهایت منجر به تلاش مأمون برای از بین بردن امام رضا علیه السلام شد (حرّ عاملی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱).

بنابراین - چنان‌که ملاحظه شد - از ابتدای پذیرفتن تا پذیرش و بی‌اثر کردن نقشه‌های مأمون، امام رضا علیه السلام در اجرای این فریضهٔ مهم، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، گام برداشتند و اگر نتوانستند خلافت را به دلایلی که گفته شد، بپذیرند تا آنجا که توانستند شرایطی فراهم ایجاد کردند که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اجرا گردد. امام رضا علیه السلام نیز در تمام مواردی که در شیوه‌های تأثیرگذار این واجب ذکر شد، در پی این بودند که تا آنجا که می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر را اجرا کنند. قابل توجه آنکه مسلمان نباید از روشی استفاده نماید که موجب از بین رفتن عزّت و اعتبار او گردد. امام رضا علیه السلام هم در این زمینه می‌فرمایند: «سزاوار نیست برای مؤمن که خودش را خوار گرداند. پرسیدند: چگونه خود را خوار می‌کند؟ فرمودند: دست به کاری بزند که از توان او بیرون است» (کلینی، ۱۳۸۱ق، ج ۵، باب انکار المنکر بالقلب، ص ۶۹).

نتیجه‌گیری

خداوند متعال برای محفوظ ماندن حقوق افراد جامعه برنامه‌ای وسیع تحت «عنوان» امر به معروف و نهی از منکر ارائه داده است. این برنامهٔ وسیع به گونه‌ای است که می‌توان روش‌های اجرای آن را در سیرهٔ معصومان علیهم السلام به شکل‌های گوناگون ملاحظه کرد. در این مقاله، روش‌هایی که امام هشتم حضرت ثامن الحجج علیه السلام در طول زندگی خود برای تأثیرگذاری بهتر امر به معروف و نهی از منکر به کار گرفتند و از آن طریق، به حفظ و صیانت دین اسلام و احقاق حقوق افراد در مقابل یکدیگر و در مقابل

حاکمان پرداختند، اشاره شد. در این باره حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس کار را از راهش بخواهد نمی‌لغزد، و اگر هم بلغزد چاره‌ای برایش خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۷۱، ص ۳۴۰).

این روش‌ها از سخنان آن حضرت و نیز شیوه زندگی ایشان به دست می‌آید:

عمل به دستورهای الهی، امیدوار کردن مخاطب، داشتن حسن ظن به مخاطب، معرفی الگوهای خوب و بد، بیان خوبی‌ها با ایجاد محبت، جایگزین کردن، رسوا کردن چهره‌های مختلف، بیان علت و فلسفه یک حکم، نمایش دسته‌جمعی، استعلائی بودن امر و نهی، و حفظ عزت نفس تا آخرین حد توان. هر یک از این روش‌ها در جای خود، بررسی شد. با مشاهده این روش‌های تأثیرگذار، متوجه نوعی انطباق بین زندگی امام رضا علیه السلام و انجام این واجب می‌شویم و قابل جمع بودن این دو فعل را در عمل، مشاهده می‌کنیم.

منابع

ابن شهر آشوب، محمدبن علی (۱۳۸۴)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، سلیمان‌زاده.

آرام و اخوان حکیمی (۱۳۸۰)، *الحیاء*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بررسی امر به معروف و نهی از منکر در کشورهای اسلامی و مقایسه آن با ج.ا.ایران (نرم‌افزار تخصصی امر به معروف و نهی از منکر، موسسه نور الزهراء).

بروجردی، محمدحسن (۱۳۷۶)، *جامع احادیث الشیعة فی احکام الشریعة*، تهران، بی‌نا.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، *فلسفه حقوق بشر*، قم، اسراء.

حر عاملی، حسن بن علی (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعة*، قم، آل‌البیت علیهم السلام، ط.الثانیة، قم، مهر.

حر، سیدحسین (۱۳۸۳)، *امام رضا علیه السلام و ایران*، قم، دفتر نشر معارف.

خمینی، روح الله (۱۳۷۲)، *کلمات قصار امام خمینی علیه السلام*، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام.

— (۱۴۰۹ق)، *تحریر الوسیله*، قم، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان.

راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرايج و الجرايج*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.

صادقی، محمد (۱۳۶۹)، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم، نشر فرهنگ اسلامی.

صدوق (۱۳۷۲)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، ترجمه حمید رضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.

— (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، جهان.

— (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم، داورى، قم.

طوسی (۱۴۰۴ق)، *اختیار معرفة الرجال*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم.

عطاردی، عزیز الله (۱۴۰۶ق)، *مسند الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد، آستان قدس (کنگره).

— (۱۳۹۷)، *اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام*، تهران، کتابخانه صدر.

قدردان فراملکی، محسن (۱۳۸۵)، *حکومت دینی از منظر استاد مطهری*، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۱ق)، *اصول کافی*، ط.الاولی، تهران، المكتبة الاسلامیه.

مجلسی، علی (۲۰۰۷)، *اعلامیه جهانی حقوق بشر*، سازمان ملل متحد، بازبینی شده در ۲۸ ژوئن، ترجمه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰ق)، *بحار الانوار*، ط.الثانیة، بیروت، مؤسسه الوفا.

مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۳۷۸)، *امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی*، مشهد، آژیر.

المسعودی، محمدفاضل، *الاسرار الفاطمیه [منبع الکترونیکی]*، موسسه تحقیقات و نشر معارف.

مفید (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

مکارم، ناصر (۱۳۶۵)، *تفسیر نمونه*، چ هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۶)، *جواهرالکلام*، چ دوم، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة.